

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۰/۱۱/۱۸

حراج آبرو و اعتبار

در روابطی که اقوام، ملیت ها و ملت های مختلف بین هم برقرار می سازند، گذشته از آن روابطی که بین دولتها به صورت رسمی و بعد از مقاولات متعدد قایم می گردد، در صورتی که تماس بین افراد زیاد باشد، در بستر زمان و بر اساس پراتیک اجتماعی مشترک بین آنها، به شناختی از همدیگر دست می یابند که هر چند شاید برای قرن ها در هیچ کتابی نوشته نشود و سیاست هیچ دولتی را به صورت رسمی نمایندگی ننماید، مگر در عمل می تواند معرف شناخت و خط حرکتی این و یا آن ملت به شمار آید.

به صورت مثال می توان از شناخت و مناسبات مردم افغانستان با انگلیسها بعد از سه بار مبارزه آزادیخواهانه علیه آنها نام برد. بدان معنا که وقتی مردم افغانستان در جریان قرن ۱۹ لطامات جبران ناپذیری را از طرف انگلیس متقبل گردیدند و از طرف دیگر در مناسبات مستقیم از آنها به جز مکر، فریب و دغا چیز دیگری ندیدند، چنان آنها را به زشتی و پلشتی نمونه ساختند که حتا در زبان عوام ساختمان ظاهری آنها (جلد، موی و رنگ چشم) نیز به مثابه علامت زشتی مشخص گردید. به یقین کمتر کسی را می توان سراغ داشت که ضرب المثل "گوره"، دشمن خدا و رسول است" به گوشش نرسیده باشد.

عکس مثال بالا، بار ها اتفاق افتاده که ملت های دور و نزدیک، روی برداشت های مشخص شان در ملت دیگری و آنهم به اصطلاح با "مشت نمونه خروار ساختن" تمام خوبی ها و فضایل را جمع نموده، چنان احترامی به آنها قایل می شوند که حتا انسانهای واقع بین خود همان ملت، خویش را سزاوار آنهمه تعریف نمی دانند. مانند برداشتی که قبلاً در نیم قاره هند در رابطه با افغانها وجود داشت. شجاع، آزاده، صادق، امانتدار، وطنپرست، ثابت قدم و وفادار به امر دوستی و رفاقت، در واقع آن صفاتی بود که مردم هندوستان در رابطه با افغانها بیان داشته و از هر افغان همان انتظار را نیز داشتند. موجودیت ده ها فلم هندی و نقش "پتان ها" در آن گواهیست برای اثبات این مدعا.

با تأسف همانطوریکه فاجعه ۵۷ و امتداد خونبار آن تا امروز، کشور و جامعه ما را در سایر زمینه ها به شدت تکان داد و هست و بود مردم ما را به نابودی کشاند، شرایطی را که بر وطن حاکم ساختند، قشر معینی از افراد جامعه را نیز چه در داخل افغانستان و چه هم در خارج از کشور، در غرقاب و لجن وابستگی و حتا جاسوسی

کشانده از آن طریق شخصیت والای فرد افغان را که در خاج از کشور، روان شناسی اجتماعی آن به آزادی و آزادی مشخص شده بود، چنان حقیر و پست معرفی نمودند که امروز در اقصا نقاط جهان، از آن ملت شجاع، نترس، عاشق آزادی، صادق و وفادار و ... کمتر یادی به عمل می آید. عکس آن تمام مطبوعات وابسته به غرب با نمونه گرفتن از مزدوران بیمقدارشان، سخت تلاش دارند تا مردم ما را جاهل، عقب مانده، دشمن علم و فرهنگ، خود فروش، مزدور بیگانگان، جاسوس، رشوت خور، متقلب و فریبکار معرفی نموده، حضور جنایتکارانه و غارتگرانه خود را متمدن ساختن و "انسان ساختن" انسان افغانی قلمداد نمایند.

در این زمینه اگر از جانی اشغالگران و در رأس همه امپریالیزم جنایت گستر امریکا آگاهانه می کوشد تا ضمن ترویج سیستماتیک فحشاء و هرزگی، با تکیه بر مثنی از مزدوران برخاسته از پدر و مادر افغان، آرزو های استعماری اش را تحقق بخشد و ارتجاع دهن دریده پاکستان و عرب در تلاش آن اند تا با تکیه بر مزدوران خویش، لعل دلخواه خود را به دست آورند؛ از سمت دیگر رژیم ولایت فقیه هم سخت در تلاش است تا به علاوه رقابت با رقباء در برخی موارد از آنها نیز پیشی گرفته، با به حراج گذاشتن آبرو و اعتبار تاریخی مردم ما، چند صباح دیگر نیز به عمر ننگین و خونبار خویش بیفزاید.

یکی از این ترفند ها که سال ها قبل ضمن نوشته ها و یکی دو مصاحبه بر آن تأکید ورزیده ام سوءاستفاده رژیم ولایت فقیه از اعتقادات مردم و استفاده استخباراتی از آنها می باشد و آنهم به قسمی که به مانند عربستان سعودی و پاکستان که در تمام جهان یکی مسجد می سازد و دیگری ملا می فرستد، رژیم ولایت فقیه به دنبال اعمار مسجد در کشور ها و شهر مختلف جهان، جواسیس کارکنسته خویش را به نام ملا و پیش نماز اعزام می دارد.

رژیم آخندی برای آنکه در هیچ کجای دنیا اجازه ندهند تا مسجدی با استقلال و عدم وابستگی به نظام آخندی اداره گردد، از منشاء اختیار کار را از مردم گرفته و با صدور این فتوا که "امام نماز جامعه" از طرف امام معصوم و در غیاب امام معصوم از طرف ولی فقیه مقرر می گردد و یا به عبارت دیگر کسی حق دارد پیشنماز در نماز جمعه باشد که تأیید خامنه ای را با خود داشته باشد، انجام یکی از فرایض دینی را در اختیار خویش در آورده و از آن طریق به بسط نفوذ خویش پرداخته اند.

و اما اینکه برای چنین منظوری یک افغان را که در خاک ایران با کلمه "پدر سوخته" عجب شناخته می شود، اختصاص می دهد به صورت عمده می تواند استفاده استخباراتی مورد نظر باشد. زیرا با در نظر داشت آنکه رژیم ولایت فقیه روی تقسیم منافع با بیشتر کشور های امپریالیستی دست به گریبان است و در نتیجه هر فرد ایرانی به خصوص آنهایی که با ولایت فقیه موافق هستند بالقوه از طرف امپریالیزم به مثابه جاسوس آن نظام به شمار می رود و از جانب دیگر اپوزیسیون ایران آنقدر فعال است که می تواند در اسرع وقت، نقاب از رخسار جواسیس ایران بردارد، بهترین راه علاج برای نظام آخندی به منظور گستردن شبکه های استخباراتی خویش در اقصا نقاط جهان آن است تا در کنار تمویل این مسجد و یا آن مسجد، جواسیس خود را به عوض آن که از اتباع ایرانی انتخاب نماید، از اتباع سایر کشور ها به ویژه اتباع افغان انتخاب نماید.

این افغان نماها، که تا مغز استخوان خود وابسته به نظام آخندی بوده و در طول حیات ننگین شان از ممر خیرات های آن نظام دار و تازیانه زندگی نموده اند و در مدارس آخذ پروری قم، مشهد، اصفهان و .. پرورش یافته ضمن شست و شوی مغزی و زدودن عرق وطن پرستانه آنها، در "واواک" به صورت حرفه ای آموزش دیده اند، وقتی پایشان به کشور سومی می رسد، بیشتر از جواسیس ایرانی و در پناه هویت یک افغان در خدمت آن نظام قرار می گیرند. بیچاره مردم ما که از عمق این ترفند ها اطلاع ندارند به این دلخوش اند که گویا در رأس مسجد شان یک

افغان قرار دارد. غافل از آن که آن آخند، نه قوم می شناسد و نه ملیت، آنها همه مزدوران رژیم ولایت فقیه بوده پیش نمازی و قرانت قران اعمال ظاهری و یا به عبارت مبارزاتی پوششی است برای آنها تا ماهیت استخباراتی خویش را بپوشانند. چنانچه یک تن از همین قماش افراد که می توان وی و همقطارانش را ننگ افغان نامید در این اواخر در کشور ناروی افشاء گردید.

در همین جا بدون درنگ باید افزود برای تمام آنهایی که در موقعیت مشابه قرار دارند مگر هیچ نوع ارتباط استخباراتی با رژیم ولایت فقیه ندارند، لازم است برای آن که خود را از مظان اتهام وابستگی و جاسوسی به رژیم ولایت فقیه تبرئه نموده بتوانند بی هراس به افشای سیاست های نظام آخندی دست یازند. این یکی از محک هائیتست که انسان صادق را از یک جاسوس نظام آخندی متمایز می سازد.